

یادداشت‌های روزانه یک خبرنگار آلمانی از بغداد (12)

استفان کلوس

بغداد 12 آوریل 2003

ساعت 2 و 45 دقیقه بعد از ظهر

آمریکایی‌ها تنها از وزارت نفت محافظت می‌کنند

شب گذشته دود، مانند ابری آسمان بغداد را پوشانده بود. تعداد زیادی از ساختمان‌های بزرگ در آتش می‌سوختند و در میان آنها یک مرکز خرید نیز می‌سوخت. تمامی وزارت خانه‌ها غارت شده‌اند و تنها وزارت نفت سالم و دست نخورده باقی مانده است و از جانب آمریکایی‌ها با سلاح‌های سنگین محافظت می‌گردد. این حفاظت از پرونده‌ها و نتایج تحقیقات استخراج نفت در عراق نیز می‌باشد. آیا این عمل بخودی خود گویای اهداف آمریکا نیست؟ بنظر من این نشان میدهد که آمریکایی‌ها در عراق بدنبال چه چیز هستند.

نهادهای خود ساخته شهری از خیابان‌ها دفاع می‌کنند

در شهر از روزها قبل وضعیت هرج و مرج و آناارشی وجود دارد. گهگاه تانک‌های آمریکایی در خیابان‌ها حرکت می‌کنند. اما این کافی نیست. در برخی از خیابان‌های شهر نهادهای شهری سازمان یافته‌اند و مسلح شده‌اند و در سنگرهای خود به همه افراد غریبه که میخواهند به خیابان وارد شوند، شلیک می‌کنند و یا به وسایل نقلیه آنها و شیشه‌هایشان را هدف قرار می‌دهند.

ما برای فیلم برداری در ماشین می‌مانیم

ما هنوز برای فیلم برداری با ماشین به اطراف حرکت می‌کنیم، اما در حال حاضر ما در ماشین می‌مانیم. پیاده شدن ریسک بزرگی به حساب می‌آید. زمانی که امروز یکبارہ میان غارتگران قرار داشتیم، من هیجان زده و دست و پایم را گم کرده بودم. خوشبختانه کسی متوجه ما نشد و از مهلکه خارج شدیم. بنظر نمی‌آید غارتگرانی که از لایه‌های پایین اجتماع هستند، سازماندهی شده باشند ولی انسان نمی‌تواند که بدترین احتمالات را نادیده بگیرد. شاید متعلقین به حزب بعث صدام این ناآرامی‌ها را دامن میزنند که خسارات بیشتری برای آمریکایی‌ها بجای بگذارند. از سفارت آلمان من دو صفحه گرامافون را نجات دادم که بعدا زمانی که وضعیت آرام شد آنها را برمیگردانم.

بغدادی‌ها جلوی هتل فلسطین تظاهرات می‌کنند

امروز بغدادی‌ها در جلوی هتل ما (فلسطین) که سربازان آمریکایی آنجا

مستقر و از ما حفاظت می کنند ، تظاهرات کردند و خواستار تشکیل حکومت موقت ، امنیت و صلح شدند و برخی نیز آمریکایی ها را مسئول این ویرانی ها میدانستند .

یک سرباز سابق عراق ، صدام ، آمریکا و انگلیس را گناهکار می دانست . فرد دیگری گفت : صدام درها را به روی آنها بست یکی لز حضار گفت : من برای عراق میجنگیدم و نه بخاطر صدام تظاهر کننده بعدی میگفت : دنیای عرب ما را تنها گذاشت بعلاوه تعداد بسیاری نیز به سمت هتل می آیند تا به اقوام خود در بیرون بغداد و یا خارج از کشور تلفن کنند . در شهر تلفن عمومی موجود نیست .

بغدا 13 آوریل 2003

ساعت 3 و 20 دقیقه بعدازظهر

بغداد بخشا به حالت عادی باز می گردد

زمانی که امروز به راه افتادم ، تصویر بغداد بطور غیرمترقبه ای تغییر کرده بود . در بخشی از شهر وضعیت دوباره کاملا عادی بنظر میامد . در کارادا که زیاد از هتل ما دور نیست ، حتی تعدادی از مغازه ها باز بودند که مردم میتوانستند نان و سبزی بخرند . رستوران ها بطور تمام وقت باز بودند .

نهادهای خود جوش خلع نبود امنیت را پر می کنند

غارتگری ظاهرا در بخشهای زیادی از عراق پایان یافته است . واحدهای شبه نظامی خودجوش وظیفه مبارزه با این پدیده را بعهدہ گرفته اند . آنها این افراد را بازداشت کرده و محموله ای را که باماشین حمل می کنند برمیدارند و بعنوان مثال در کارادا به یک مسجد منتقل می کنند و داروها را دوباره به بیمارستان باز می گردانند و وسایل باقیمانده بازپس داده می شوند ، البته زمانی که می دانند آنها از کجا آمده اند . بطور انفرادی میان این نیروها و شبه نظامیان سازماندهی شده تیراندازی صورت می گیرد .

پرسنل برای جایگزینی پلیس و اداره شهر استخدام می شوند

در نزدیکی هتل ما آمریکایی ها در کلوبی که انگلیسی ها در سال 1924 بنیان گذاشته اند ، سربازگیری می کنند . تعداد زیادی از عراقی ها را برای پلیس شهری و همچنین برای خدمات عمومی جایگزین می نمایند . آنجا می توانند داوطلبان اطلاع گیرند که فردا در چه محل هایی یکدیگر را ملاقات خواهند کرد .

تقریبا 3000 پلیس بایستی در آینده وظیفه برقراری مجدد نظم در بغداد را به عهده گیرند .

آمریکایی ها نسبت به هرج و مرج عکس العمل نشان میدهند

آمریکایی ها در بخش هایی از شهر پیاده رژه میروند. برخی از آنان دسته گلهایی در دست دارند و تعدادی به زبان عربی با بغدادی ها به گفتگو می پردازند و اعلامیه های خبری نیز در میان مردم پخش میگردد و اینچنین تلاش می کنند تا جلب اعتماد کنند و نسبت به آناش می موجود که ناشی از اشغال این شهر می باشد واکنش نشان می دهند. به اعتقاد من این واکنش 4 روز دیرتر انجام شده است. این یک لحظه تاریخی کشور عراق می باشد و من امیدوارم که چند روزی بیشتر بتوانم بمانم و نتیجه این تغییر و تحولات را ببینم. به کدام سوی خواهد رفت؟

برگردان ، روزبه وین